چرا فوتبال مثل واليبال و كشتی موفق نيست؟

شهريور 30, 1393

مي‌گويند فوتبال جنگ زمان صلح است و مي‌گوييم كاش چنين نبود. براي درک چرايي اين خواسته كافي است آرامش واليبال را در انتخاب ولاسكو يا آمدن كواچ ببينيد و آن را با تلاش براي تمديد قرارداد كي‌روش مقايسه كنيد و ببينيد كه براي آن قرارداد واليبالي‌ها تصميم مي‌گيرند و براي اين قرارداد فوتبالي‌ها ته صف تصميم‌سازان هستند!

آنچه در ورزشگاه بلو هوريزنته و مقابل آرژانتين رقم خورد در واقع نماي كاملي از استعداد فوتبال ايران بود كه مقابل لئومسي و هيگواين و ماسكرانو و همه بزرگان فوتبال دنيا به نمايش جهاني رسيد.در آن ديدار شيران پارسي كاري كردند كه نايب قهرمان جهان مات و مبهوت مانده بود. البته كه مسي تير آخر را زد اما ايران آنقدر عالي بود كه آن شب با وجود شكست برخي از مردم ايران به خيابانها ريختند. شايد براي ضربه سر دژاگه بود، شايد براي پنالتي كه داور صرب آن را نديده بود، شايد براي…

هرچه كه بود نماد استعداد ايران بود اما پرسشي بزرگ وجود دارد براي مردم ايران و آن پرسش اين است: با وجود اين همه خواهندگي و شايستگي چرا فوتبال ايران مثل واليبال و بسكتبال و كشتي رشد نمي‌كند و به سطح اول فوتبال دنيا نمي‌رسد و حتي برخي مواقع به ويتنام هم مي‌بازد؟

پاسخ به اين پرسش در بركناري آقاي گل جهان است در هفته هفتم و دخالت شديد سياسيون در فوتبال و عدم دخالت همين سياسيون در واليبال و كشتي و بسكتبال! جرم دايي جوانگرايي شديد در پرسپوليس بود يعني در يكي از سياسي ترين دو تيم ايران! و نتيجه نگرفتن تا هفته هفتم اين بركناري هم نمادي بود از دليل عدم توفيق در سطح اول بين‌الملل.

اجازه بدهيد از زاويه‌اي ديگر به اين ماجرا نگاه كنيم؛ در واليبال سالها كار انجام شد و هيچكس كاري به كار پايه‌هاي واليبال نداشت. شكست‌هاي واليبال براي كسي مهم نبود تا روزي كه ولاسكو را آوردند و يک مرتبه با آن كار پايه اي ولاسكو كاري كرد كارستان اما باز هم

كسي با آنها كاري نداشت.

ولاسكو رفت و فدراسيون واليبال كواچ را آورد. يک مربي ميلياردي ديگر جانشين مربي قبلي ميلياردي شد و باز هم كسي كاري با واليبال نداشت اما سه ماه بود كه فدراسيون مي‌خواست قرارداد كي روش را تمديد كند. در طول اين سه ماه وزير و وكيل و نماينده مجلسي نمانده كه در اين مورد نظر ندهند و براي فدراسيون تخصصي فوتبال تعيين و تكليف نكنند!

در واقع براي تمديد قرارداد كي روش بايد از هفت خوان رستم عبور كرد، اما براي قرارداد ولاسكو و يا كواچ كسي چيزي نمي‌گويد و فدراسيون تخصصي واليبال به سادگي تصميم خودش را مي‌گيرد.

تفاوت همينجاست كه فوتباليها به سبب وحشت از اتفاقي كه براي دايي رخ داد و هرماه هم براي يكي ديگر در فوتبال رخ مي‌دهد، سازندگي را سر دار مي‌برند و تنها به نتيجه گيري در همين امروزشان مي‌انديشند و تازه به همان هم كه مي‌انديشند بايد نظر سياسيون را هم بدانند!

به گزارش مهر، كاش فوتبال، جنگ زمان صلح نبود تا اينهمه سياسي نباشد. شايد در آن صورت تيمهاي پايه‌اي هم مي‌توانستند رشد كنند. شايد در آنصورت تيم دايي براي سال بعد 10 تا ملي‌پوش به تيم ملي مي‌داد اما مربي پرسپوليس را غير ورزشيها انتخاب مي‌كنند و مربي تيم ملي را هم ايضا!

سرمربيهاي تيم ملي طي سالهاي اخير همگي در جايي به جز فدراسيون تخصصي فوتبال انتخاب شده اند و تمام بركناري تيمهاي بزرگ كه سازنده تيمهاي ملي هستند نيز در جايي بالاتر از باشگاه‌ها انتخاب مي‌شوند و البته كه در چنين شرايطي صعود اين فوتبال قوانين گيتي را به هم مي‌ريزد.

ابتكار